هونت می‌گوید کسانی چون دورکیم، جان استوارت میل و ژوزف شومپیتر پروژه سوسیالیستی را به مسائل عمدتاً فنی و خواست توزیع عادلانه‌تر منابع تقلیل دادند و همین باعث غفلت آنها از فهم انگیزه‌های اخلاقی حقیقی مبلغان سوسیالیسم شد. هونت این انگیزه اخلاقی را در آن چیزی که رابرت آوئن، «نیکخواهی متقابل» می‌نامید، بازیابی می‌کند و می‌گوید نزد همه سوسیالیست‌های اولیه مسئله اصلی «جمعی کردن ابزار تولید» نبود، بلکه به این استراتژی فقط به‌عنوان ابزاری نگریسته می‌شد برای برآوردن خواست‌هایی اخلاقی. آن خواست اخلاقی اما چه بود؟ استیفای اولین و آخرین اصل از اصول انقلاب فرانسه؛ یعنی «آزادی» و «برادری». در چنین تفسیری، حتی آرمان «برابری» اغلب نقشی ثانوی دارد: «با اندکی حسن نیت تفسیری، می‌توان گفت که این سه گروه سوسیالیست‌های اولیه تضادی درونی در اصول انقلاب فرانسه یافتند، چراکه معتقد بودند این انقلاب درکی صرفاً حقوقی یا فردباورانه از آزادی دارد. آنها همگی ـ هرچند شاید ناآگاهانه ـ در پی آن بودند که مفهوم لیبرالی آزادی را چنان گسترش دهند که آن را به نحوی با هدف «برادری» سازگار کنند.»

از نظر این سوسیالیست‌های اولیه، مشکل اصلی در این تناقض پیش آمده، آن بود که آزادی به جست‌وجوی منافع شخصی فروکاسته شده که از نظر کسی چون لویی بلان درواقع چیزی نبود جز «خودخواهی شخصی». این تفسیر محدود از آزادی، نمی‌توانست با امکان زیست برادرانه، همبستگی و مسئولیت متقابل افراد جامعه در قبال یکدیگر، موافقتی داشته باشد. با چنین صورتبندی نظری، سوسیالیست‌ها متقاعد شدند که باید از نگرشی دفاع کنند که در آن کامیابی و شکوفایی هر فرد به کامیابی و شکوفایی دیگری وابسته باشد. نتیجه چنین تحولی، دفاع از «آزادی اجتماعی» در مقابل «آزادی فردی» بود.

مارکس در همین زمینه بود که استدلال کرد، اقتصاد بازار مانع از برقراری مناسبات اجتماعی «برادرانه» یا به تعبیر هگلی «همبستگی» می‌شود. جوامع اصیل جوامعی هستند که در آن سوژه‌ها نه‌تنها با هم عمل می‌کنند (جوامع همپوشان) بلکه «برای هم» نیز عمل می‌کنند. (جوامع درهم‌تنیده). در چنین تفسیری، نمی‌توان آزادی را به «عدم سلطه» فروکاست، بلکه آزادی فردی فقط زمانی وجود دارد که به تعبیر هگل «عینی» شود و این زمانی است که دیگر نتوان سایر اعضای جامعه را عامل بالقوه محدودشدن مقاصد خود انگاشت، بلکه بتوان آنان را همراهانی دانست که همکاری‌شان برای تحقق این مقاصد ضروری است.»

آزادی‌های لیبرالی بر آن است که سوژه‌ها آزاد هستند مادام که بتوانند اهداف‌شان را بدون هیچ‌گونه مانعی دنبال کنند و در ضمن این تعقیب اهداف آزادی دیگر سوژه‌ها را پایمال نکند. بعدتر اما کانت، روسو و هگل تاثیراتی خاص بر تفسیر این آزادی لیبرالی گذاشتند. از نظر کانت و روسو، آزادی فردی فقط زمانی قابل درک است که اهداف به‌صورت عقلانی تعیین شده باشند و طبیعت یا غریزه آنها را تحمیل نکرده باشد. هگل تطابق‌پذیری تصمیم فردی با تاریخ را نیز بدین شرایط افزود و بدین‌سان زمینه برای تحول «آزادی منفی» لیبرالی به «آزادی مثبت» فراهم شد؛ چیزی که متفکری چون آیزایا برلین، آن را درمجموع امری مخاطره‌آمیز دانست و نسبت به عواقب آن هشدار داد.

هونت می‌گوید کسانی چون دورکیم، جان استوارت میل و ژوزف شومپیتر پروژه سوسیالیستی را به مسائل عمدتاً فنی و خواست توزیع عادلانه‌تر منابع تقلیل دادند و همین باعث غفلت آنها از فهم انگیزه‌های اخلاقی حقیقی مبلغان سوسیالیسم شد

خطای نخست سوسیالیسم: اقتصادزدگی

سوسیالیسم گمان می‌کند که می‌توان کل جوامع را براساس الگوی باهمستان‌های مبتنی بر همبستگی سازماندهی کرد. همچنین، تصور سوسیالیسم این است که نه‌فرد، بلکه باهمستان مبتنی بر همبستگی حامل آزادی است. در چنین باهمستانی، افراد مکمل هم هستند و به‌صورت برابر نیز با یکدیگر رفتار می‌کنند. اینها نکاتی هستند که هونت در مقام بیان آرمان‌های سوسیالیستی بدان‌ها اشاره می‌کند. با این همه هونت به معضلات چنین تحولات فکری و آرمان‌های برآمده از آن واقف است. او در این زمینه از سه خطای مهم در پروژه سوسیالیستی رونمایی می‌کند. خطای نخست سوسیالیست‌های اولیه این بود که نه‌تنها باهمستان مبتنی بر همبستگی را به‌طور کامل به اقتصاد محدود کردند، بلکه این پرسش را نیز بی‌پاسخ گذاشتند که آیا در حوزه اقتصاد می‌توان جامعه‌ای پیچیده‌تر و سازمان‌یافته‌تر را بازآفرینی کرد یا نه؟ در این خطای تحلیلی، سوسیالیست‌ها حوزه متنوع و بسیار مهم سیاست و حکومت دموکراتیک مردمی را که بر حق خودخواستگی فردی استوار بود، از هرگونه ارزش هنجاری تهی کردند و آن را عنصری بی‌اهمیت در بازتولید نظم اجتماعی قلمداد کردند. آنها اعتنای خاصی به کارکرد مثبت و سیاسی حقوق مدنی جدید نداشتند و تجدید سازمان جامعه را فقط در تغییر عرصه اقتصاد به‌مثابه کانون مبارزه بر سر شکل مناسب آزادی می‌دیدند. در همین سطح از تحلیل است که هونت به اهمیت ایده‌های کسی چون ادوارد برنشتاین می‌پردازد؛ مارکسیستی که عموماً با اتهام «تجدیدنظرطلبی» از جریان‌های اصلی سوسیالیسم کنار گذاشته می‌شود. هونت برخلاف این روال شایع، اما برنشتاین را به‌دلیل برخورداری از این بصیرت که دموکراسی را «متضمن هسته هنجاری همه اهداف سوسیالیستی» و شکل مناسب سازماندهی کل زندگی اجتماعی می‌داند و آن را «سازمان آزادی» می‌نامد، ستایش می‌کند.

خطای دوم سوسیالیسم: جنبش‌زدگی

خطای دوم سوسیالیسم اولیه اما این بود که آرمان‌های خود را ترجمانی از مطالبات واقعی جنبش مخالفی قلمداد کرد که از قبل در جامعه آن روزگار موجود بود. به نظر کسانی چون سن‌سیمون، تردیدی نبود که کل طبقه کارگر صنعتی (از کارگران ساده تا مهندسان و مدیران)، منتظر آزادی از مناسبات ناعادلانه فئودالی ـ بورژوایی و قرارگرفتن در نظم جدیدی از همکاری‌های آزادانه بودند. این تصور اما از نظر هونت، سوسیالیسم را با خطای خودارجاعی مواجه کرد: «آموزه سوسیالیستی براساس پیش‌فرضی فراتجربی، از این پس خود را با یک جنبش اجتماعی در پیوند می‌دید، اما از نظر تجربی، به هیچ روی روشن نبود که آیا چنین جنبشی در واقعیت جامعه وجود دارد یا نه.» بعدتر نیز وقتی جنبش کارگری افول پیدا کرد، سوسیالیسم ضربه‌ای اساسی خورد زیرا «دیگر نمی‌توانست ادعا کند که نمود نظری یک جنبش زنده و فعال است.»

خطای سوم سوسیالیسم: تاریخ‌زدگی

سومین خطای سوسیالیست‌های اولیه در تفسیر هونت، اما با خطای دوم ارتباطی وثیق دارد. فرض وجود سوژه‌ای انقلابی که به‌جد در پی تحقق آرمان عدالت است، در بیشتر مواقع با فرض سومی همراه می‌شد مبنی بر اینکه مناسبات تولید سرمایه‌داری، به‌ضرورت، در آینده‌ای نه‌چندان دور به‌واسطه بحرانه‌ایی ساختاری و اجتناب‌ناپذیر از بین می‌رود. این روایت تقدیرگرایانه هم باعث شکل‌گیری نوعی انتظار سیاسی مخرب و منفعلانه شد و هم مانع از شکل‌گیری ذهنیت درستی درباره منطق تحولات تاریخی در میان سوسیالیست‌ها شد: «مفهوم حرکت قانونمند و محتوم تاریخ تا مدت زیادی مانع از آن شد که سوسیالیست‌ها تحول تاریخی را به‌مثابه مجموعه پیوسته در حال تغییر چالش‌هایی درک کنند که باید ظرفیت آنها برای ترقی اجتماعی را به‌صورت تجربی کشف کرد.»

دموکراسی و بازار سوسیالیستی؛ راه‌هایی به رهایی

نگاه هونت در این زمینه مشابه استدلالی است که جان دیویی بدان اشاره دارد و به فقر نگرش و رفتار تجربه‌گرای در جنبش سوسیالیسم دلالت دارد. همانطور که هونت می‌نویسد، دیویی بر آن بود که سوسیالیسم با مفروض انگاشتن قانونمندی تاریخ، نتوانست خود را جنبشی ببیند که باید از طریق تجربه‌گری اجتماعی و باتوجه به شرایط معین تاریخی، بهترین و محتمل‌ترین راه را برای تحقق ایده آزادی اجتماعی بیابد.»

سوسیالیست‌ها به جای کاوش و کنکاش در شناختن و پیمودن چنین مسیری، دچار اطمینانی کاذب به خود درباره روند تحولات شدند و وقتی خطاهای آنها برملا شد، از پاسخ به بحران پیش‌آمده عاجز ماندند.

از نظر هونت، هر سه فرض مفهومی خطای سوسیالیست‌ها پیوندی تنگاتنگ دارند با «وضعیت فکری و اجتماعی مرحله اولیه مدرن‌شدن سرمایه‌داری». به همین دلیل نیز پس از پیشرفت فناوری و تحول ساختاری و اصلاحات سیاسی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، سوسیالیسم دیگر نمی‌توانست پاسخی به مسائل بدهد. اینک اما احیای سوسیالیسم غیرممکن خواهد بود، مگر اینکه بینش هنجاری و اولیه سوسیالیست‌ها درباره تلفیق آزادی و برادری و برابری با واقعیت‌های جهان معاصر سازگار شود. در چنین موقعیتی، سوسیالیسم اگر قرار است آینده‌ای داشته باشد، باید به‌شکلی پسامارکسیستی احیا شود. در این شکل نوین، سوسیالیسم باید به‌مثابه تجربه‌گری تاریخی فهم شود و با اشکال دموکراتیک زندگی نسبتی معنادار پیدا کند. دیگر قرار نیست سوسیالیسم خود را تجلی فکری طبقه کارگر صنعتی یا پرولتاریای پیشاپیش انقلابی بداند یا بر اقتصاد دولتی تام و تمام تمرکز کند. به زعم هونت از رهگذر تردید در راه‌های رفتهی پیشین، اینک شاید بتوان به چیزی چون «بازار سوسیالیستی» اندیشید و به تصمیم‌گیری دموکراتیک بها داد؛ شاید در این صورت راهی به رهایی یافت شود: «تنها در صورتی که مفهوم آزادی اجتماعی را به هر سه حوزه سازنده جامعه‌های مدرن (اقتصادی، سیاسی و مدنی) منتقل کنیم و علاوه بر حوزه اقتصاد، آن را در مورد سیاست و روابط شخصی نیز به‌کار ببندیم، آری تنها در این صورت است که به روشنی آشکار می‌شود دیدگاه واقعی سوسیالیستی امروز باید به دفاع از چه چیزی متعهد باشد.» دلیل چنین استدلالی این واقعیت است که امروز از نظر هونت این امر مسجل است که الغای انقیاد به دیگری و کار بیگانه در حوزه اقتصاد، به‌تنهایی جامعه مدرن را پیشرفت نمی‌دهد، بلکه این پیشرفت منوط است به الغای اجبار و سلطه در حوزه روابط شخصی و سیاست دموکراتیک.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک اصفهان

آگهی ابلاغ مفاد آرا صادره از هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در ثبت شرق اصفهان

در اجرای ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و برحسب ماده ۳ قانون مذکور آرا ذیل که از طرف این هیات مبنی بر تایید انتقال عادی و یا سهم مفروزی متقاضی صادر گردیده در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود تا شخص یا اشخاصی که به آرا مذکور اعتراض دارند از تاریخ اولین انتشار ظرف مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نموده و در مهلت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض فرصت دارند نسبت به تقدیم دادخواست به دادگاه صالحه و ارائه گواهی مبنی بر طرح دعوی اقدام نمایند و اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه خواهد بود و در صورت انقضا مهلت و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. ۱-رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۸۰۸۸ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۸ اکرم کریمی فرزند جعفر به شماره شناسنامه ۱۲۵۰ صادره از اصفهان به شماره ملی ۱۲۸۳۹۸۸۱۰۰ در سه دانگ یک باب ساختمان به استثناء بهاء یک شانزدهم اعیانی احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۲۰۳۵ واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۱۵۰/۷۹ مترمربع. خریداری طی سند رسمی. ۱-رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۸۰۸۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۸ حمزه احمدی فرزند محمدکاظم به شماره شناسنامه ۱۱۸۱ صادره از اصفهان به شماره ملی ۱۲۹۱۶۲۱۴۲۳ در سه دانگ یک باب ساختمان به استثناء بهاء یک شانزدهم احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۲۰۳۵ واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۱۵۰/۷۹ مترمربع. خریداری طی سند رسمی. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶

مهدی صادقی وصفی - رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان

شناسه آگهی: ۱۷۹۱۴۷۸

سازمان ثبت و اسناد املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک استان قزوین
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۹۰۶۸۰۰۲۲۷۱ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۲ پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۹۰۶۸۰۰۰۰۵۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مالکیت آقای اسفندیار کاکاوند به شماره شناسنامه ۳۸۷ کد ملی ۴۳۲۱۳۷۶۸۱۵ صادره از قزوین - جرندق فرزند جانقلی در شش دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۴۶/۸۰ مترمربع پلاک شماره ۱۵ فرعی از ۳۶ اصلی واقع در قزوین بخش ۵ حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین بلاواسطه از لاچین کاکاوند تایید و محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۷/۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۷/۱۶

صمد قدیم‌آبادی - رئیس ثبت اسناد و املاک

شناسه آگهی: ۱۷۹۱۵۴۹

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهرری م الف: ۷۵۰

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۲۵۸۲ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فاطمه اردی به شناسنامه شماره ۴۷۹ کد ملی ۳۹۶۱۰۵۰۹۰۲ صادره از نهاوند فرزند فخرالدین در شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۲۱/۷۲ مترمربع پلاک شماره ۲۲۸۹ فرعی از ۱۱۵ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک شهرری خریداری به موجب سند انتقال اجرایی ۱۶۱۹۶۸ مورخ ۱۴۰۲/۲/۱۹ دفترخانه ۷ شهرری تایید و محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۷/۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۷/۱۶

سیدمهدی لامعی - رئیس ثبت اسناد و املاک

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کهریزک م الف ۶۶۷

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۵۳۰۰۱۸۲۱ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۰۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کهریزک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای کریم خوش کیوج فرزند عباس به شماره شناسنامه ۳۷ صادره از هریس در شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (با کاربری مزروعی) به مساحت ۹۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۴۴۶۸ فرعی از ۹۲ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک کهریزک در ازای سند مالکیت رسمی مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۶/۱۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۷/۱

سید محسن سادات حسینی - رئیس ثبت اسناد و املاک

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کهریزک م الف ۶۶۹

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۵۳۰۰۲۰۱۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کهریزک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای جلال نظری فرزند محمد به شماره شناسنامه ۴۱۶۰۳۱۸۱۴۲ صادره از الیگودرز در شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۱۲/۶۴ مترمربع در قسمتی از پلاک ۴۹ فرعی از ۸۹ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک کهریزک در ازای سند مالکیت رسمی مشاعی احراز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۷/۱

سید محسن سادات حسینی - رئیس ثبت اسناد و املاک

سخن ادیب

روحیه؛ نیاز امروز جامعه ایران

گفتاری از محمدرضا شفیعی کدکنی

محمدرضا شفیعی کدکنی، با تخلص م. سرشک، ادیب، نویسنده، پژوهشگر، شاعر و استاد دانشگاه که پیش از این نیز تاکید کرده بود راه‌حل برون‌رفت از بحران‌های مختلف جاری در ایران را خرد فلسفی مبتنی بر روحیه می‌داند در سخنانی که در کلاس درس دانشگاه و در برابر دانشجویانش مطرح کرده و فیلم آن در یوتیوب منتشر شده است، تاکید می‌کند که نخبگان دانشگاهی، متفکران و روشنفکران باید دست به دست هم بدهند و روحیه را به جامعه ایرانی بدمند. زیرا بدون روحیه، هیچ توسعه‌ای رخ نمی‌دهد. او در این مورد گفته است: «آن‌چه برای ما مهم است، فقط روحیه است. هر عاملی از آموزش تا هنر و... آن‌چه به ارتقای روحیه کمک کند، باید برای ما مورد ستایش و احترام باشد اما آن‌چه که به این روحیه صدمه بزند، هر چه که هست، باید کنارش گذاشت.» شفیعی کدکنی در بخشی از این ویدئو در پاسخ به سوالی مطرح‌شده، «به یکی از مهمترین دستاوردهای زندگی‌اش» اشاره کرده و به دانشجویانش گفته است: «خواهش می‌کنم خوب گوش بکنید. این حرفی که می‌زنم، حاصل ۷۰ سال کتاب خواندن، کتاب ورق زدن و داشتن یک جور مسئولیت روحی است، که از بچگی در من وجود داشته است. بگذارید مثالی به ظاهر احمقانه برای شما مطرح کنم، ولی هیچ‌وقت این مثال را به‌فراموشی نسپارید. ببینید ثروتمندترین آدم در دنیا بیل گیتس یا صاحب آمازون است. اگر بیل گیتس یک پسر داشته باشد که وارث بلامنازع او باشد و این پسر هم یک پی‌اچ‌دی در فیزیک، یک پی‌اچ‌دی در فلسفه، همچنین چندین پی‌اچ‌دی از ام‌آی‌تی و هاروارد و یک دکترای جراحی مغز هم از پرینستون و دیگر دانشگاه‌های معتبر جهان داشته باشد، بنابراین از این سعادتمندتر بشری نمی‌توانیم در نظر بگیریم. حال یک بچه فقیر هم از دهات نیشابور و... را در نظر بگیرید که به طور مادرزادی، در زمان تولد فاقد یک دست و یک پا بوده است. خانواده در کمال فقر و بدبختی هستند. آی کیوی این بچه هم معمولی است. این بچه را هیچ‌گاه در ترازوی بچه بیل گیتس قرار نمی‌دهید. این کجا و آن کجا؟ اما یک چیز وجود دارد. آن بچه نیشابوری بدون یک پا و یک دست، با آی کیوی معمولی، با همان یک دست خود کار می‌کند و کفش واکس می‌زند. او به زندگی عشق می‌ورزد، با واکس زدن، پول جمع می‌کند، اما پسر بیل گیتس دارای افسردگی عمیقی است که جز با قرص خواب، هیچ راه‌حلی برایش پیدا نمی‌شود. آن بچه‌ای که با یک دست واکس می‌زند، هزار بار سعادتمندتر از بچه بیل گیتس است که دارای افسردگی مزمن وحشتناک است و مجبور است با قرص زندگی را سپری بکند. بچه بیل گیتس از آن همه ثروت و پی‌اچ‌دی‌ها، کوچک‌ترین بهره‌ای ندارد. ولی این بچه با یک دست‌اش واکس می‌زند، خرج خانه خودش و پدر و مادرش را درمی‌آورد و به آینده‌اش هم امیدوار است. این بچه، هزار بار سعادتمندتر از بچه بیل گیتس است.» شفیعی کدکنی در ادامه گفته است «آن‌چه که برای انسان مهم است، روحیه، روحیه و روحیه است.» و روبه دانشجویانش اضافه کرده است: «این موضوع را هیچ‌گاه فراموش نکنید. همان‌طور که درباره آن بچه‌ای که یک دست و یک پا ندارد صحبت کردم و گفتم او با شغل واکسی، که خرج خانواده‌اش را تامین می‌کند و امید دارد زندگی بهتری داشته باشد، نسبت به بچه بیل گیتس، با آن همه ثروت، و با آن همه مدارک آکسفورد و... که دارای افسردگی عمیق و مجبور است با قرص‌های آرامبخش زندگی بکند، بسیار سعادتمندتر است. بنابراین آنچه که برای فرد مهم است، روحیه است، و آنچه که برای جوامع بشری مهم است، روحیه اجتماعی است.» شفیعی کدکنی در ادامه با اشاره به این که «نمی‌شود گفت جامعه‌ای که همه افرادش بیماری افسردگی و روانی دارند، دارای روح نشاط در سطح بسیار بالایی است» افزوده است: «چنین امری ممکن نیست. این‌ها دوروی یک سکه هستند. روحیه روحیه و روحیه، آنچه که برای کشور ضرورت دارد، هنری است که این روحیه را بالا ببرد؛ شامل موسیقی، نقاشی، سینما، ادبیات، رمان‌های بزرگ و ادبیات داستانی خوب. این‌ها مهم هستند. این را هیچ وقت فراموش نکنید.» این استاد دانشگاه با اشاره به اینکه «روحیه باید از کودکستان تا مراحل بالای تحصیل آموزش داده شود»، ادامه داده است: « یادتان نرود، روحیه، روحیه و روحیه. بچه نیشابوری که بدون یک پا و یک دست این اندازه امیدوارانه کار می‌کند، هزار بار سعادتمندتر از بچه بیل گیتس و آمازون، است که با قرص زندگی می‌کند. جوامع بشری هم عیناً همینگونه هستند. آنچه که برای جامعه ما مهم است، روحیه، روحیه و روحیه است.»